

Research Article

Russia and the State-Nation Building Crisis in Modern Iraq¹

Mohammad Reza Hakakzadeh¹

¹ Assistant Professor, Faculty of Humanities, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.
hakak_reza@qom_iau.ac.ir

Abstract

With the purpose of reviewing the policy of Russia towards the state-nation building crisis in Iraq, the present study seeks to answer what were the impacts of the state-nation building crisis in modern Iraq on the perception of Russian elites about the transformations in this country and consequently Russian policy. The method of study is descriptive analysis and it relies on the hypothesis that state-nation building transformations in modern Iraq such as the emergence of Takfiri extremism, threatening the interests of Russian allies, and concerns over spreading instabilities to Eurasia, have led to changing the perception of Russians and as a result, adopting the policy of expanding the presence and penetration of Russia in Iraq.

Keywords: State-Nation Building Crisis, Middle East, Islamic Fundamentalism, Russia, Iraq.

1. **Received:** 2021/05/24 ; **Accepted:** 2021/06/13

** Copyright © the authors

*** <http://se.journal.qom-iau.ac.ir/>



روسیه و بحران دولت - ملت‌سازی در عراق نوین^۱

محمد رضا حکاکزاده^۱

^۱ استادیار، دانشکده علوم انسانی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. hakak_reza@qom_iau.ac.ir

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی سیاست روسیه در قبال بحران دولت-ملت‌سازی در عراق، درصدد پاسخ به این سوال است که بحران دولت ملت‌سازی در عراق نوین چه تأثیری بر ادراک نخبگان روس نسبت به تحولات این کشور و به تبع آن سیاست روسیه داشته است؟ روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و بر این فرضیه استوار است که تحولات دولت ملت‌سازی در عراق نوین از جمله ظهور افراط‌گرایی تکفیری، تهدید منافع متحدین روسیه و همچنین نگرانی از تسری خیزش‌ها به اوراسیا، منجر به تغییر ادراک روس‌ها و در نتیجه اتخاذ سیاست گسترش حضور و نفوذ روسیه در عراق را به دنبال داشته است.

کلیدواژه‌ها: بحران دولت-ملت‌سازی، خاورمیانه، بنیادگرایی اسلامی، روسیه، عراق.

۱. مقدمه

ریشه ناآرامی‌های عراق در سال‌های اخیر در دو اتفاق قابل بررسی است:
- تهاجم آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ میلادی و اشغال این کشور توسط نیروهای نظامی ایالات متحده،

- خیزش‌های مردمی در خاورمیانه و متأثر شدن عراق از این ناآرامی‌ها (Zolfqar, 2018, P.121).
در این پژوهش، به‌طور ویژه به وقوع خیزش‌های موسوم به بهار عربی و تأثیر پذیرفتن عراق از این ناآرامی‌ها اشاره شده و برآنیم به مطالعه سیاست خارجی روسیه در عراق در این برهه از زمان پردازیم. کشوری که طی سال‌های متمادی تحت حاکمیت صدام حسین، بحران‌های متعددی را تجربه کرده و پس از سقوط وی در سال ۲۰۰۳م و اشغال کشور توسط ایالات متحده نیز این فشارها و بحران‌ها به نحوی دیگر ادامه یافته است. به گونه‌ای که با وقوع خیزش‌های منطقه‌ای، تنش‌های موجود در این کشور به ویژه ناشی از فرقه‌گرایی و دولت ناکارآمد و در یک کلام بحران دولت- ملت‌سازی^۱ بیش از پیش تشدید شده و به اختلافات و درگیری‌ها در این کشور منجر شده است. بنابراین، بررسی شرایط فعلی عراق بدون توجه به این بحران امکان‌پذیر نیست. به اعتقاد اندیشمندان، دولت- ملت و بحران‌های پیش روی این موجودیت، طی سالیان بسیار و به خصوص بعد از جنگ جهانی دوم، تبدیل به پایه اصلی نظم و ثبات جهانی شده است. در گذشته، درخواست‌هایی که اقوام و گروه‌های مختلف داخل یک محدوده مرزی داشتند، توسط دولت- ملت‌ها تجمیع و مدیریت می‌شدند. اما ضعف دولت- ملت‌ها باعث بی‌پاسخ ماندن برخی از این درخواست‌ها، ایفای نقش فعال‌تر از سوی شبکه‌های فراملی و بروز برخی بی‌نظمی‌ها فراتر از چارچوب دولت- ملت‌ها شده است که عراق نیز از این موضوع رنج می‌برد (سنایی، ۱۳۹۴).

با این مقدمه در ادامه ضمن اشاره به اعتراضات مردم عراق و فرآیند دولت- ملت‌سازی و نقش این بحران در بی‌ثباتی ملی و فراملی، به مطالعه سیاست خارجی روسیه در این کشور به ویژه از سال ۲۰۱۱م به این سو، خواهیم پرداخت.

۲. اهمیت و ضرورت تحقیق

عراق از جمله کشورهای عربی است که در بررسی سیاست خاورمیانه‌ای روسیه شایان اهمیت

است. کشوری در همسایگی ایران، سوریه، اردن، کویت، عربستان و ترکیه که با توجه به موقعیت استراتژیک، از جایگاه ویژه‌ای نزد دولت‌مردان روس برخوردار است. به ویژه اینکه همواره روابط تجاری- مالی مستحکمی بین مسکو و بغداد وجود داشته و بنابراین پرواضح است وقوع ناآرامی و افزایش بی‌ثباتی، نگرانی روس‌ها را از مدیریت روابط عمدتاً تجاری با این کشور در پی دارد. در این میان، با توجه به روابط خاصی که ایران نیز با دو کشور عراق و روسیه بویژه در خلال تحولات اخیر خاورمیانه دارد، ارزیابی سیاست دولت روسیه در قبال عراق نیز اهمیت مضاعفی دارد.

۳. سوال پژوهش

بحران دولت ملت‌سازی در عراق نوین چه تأثیری بر ادراک نخبگان روس نسبت به تحولات این کشور و به تبع آن سیاست روسیه داشته است؟

۴. اهداف تحقیق

- مهم‌ترین اهداف این پژوهش به شرح زیر است:
- ارزیابی خیزش‌های عربی موسوم به بهار عربی در خاورمیانه
 - تبیین تأثیرپذیری عراق از بهار عربی
 - ارزیابی زمینه‌ها و ریشه‌های بحران دولت- ملت‌سازی^۱ در عراق پساصدام
 - بررسی سیاست روسیه در قبال بحران دولت- ملت‌سازی در عراق جدید.

۵. روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی- تحلیلی بوده و ابزار گردآوری اطلاعات مطالعه کتابخانه‌ای می‌باشد.

۶. فرضیه پژوهش

پژوهش حاضر بر این فرضیه استوار است که تحولات دولت ملت‌سازی در عراق نوین ازجمله ظهور افراط‌گرایی تکفیری، تهدید منافع متحدین روسیه و همچنین نگرانی از تسری خیزش‌ها به اوراسیا منجر به تغییر ادراک روس‌ها و در نتیجه اتخاذ سیاست گسترش حضور و نفوذ روسیه در

عراق را به دنبال داشته است.

۷. پیشینه و نوآوری پژوهش

در ارتباط با نگرش و سیاست روسیه نسبت به تحولات اخیر در خاورمیانه آثار چندی عمدتاً در قالب مقالات منتشر شده است. با این حال عمده این مطالب به دلیل پیچیدگی فزاینده تحولات منطقه، توانسته‌اند این نگرش را تنها از یک یا چند جنبه خاص مورد بررسی قرار دهند. این خلاء مطالعاتی تا حدودی ناشی از این است که عمدتاً سیاست روسیه به روایتی ایرانی به تصویر کشیده شده است. از این رو در پژوهش حاضر تلاش شده است تا گفتمان حاکم بر روسیه در این زمینه از طریق مراجعه به نوع نگرش جامعه علمی، مراکز مطالعاتی و نخبگان سیاسی امنیتی مورد واکاوی قرار گیرد. برخی از آثار پژوهشی انجام شده مرتبط با تحقیق حاضر شامل موارد زیر است.

زواگلسکایا^۱ (۲۰۱۵)، در پژوهشی با عنوان روسیه در خاورمیانه در حال تغییر، تحولات اخیر خاورمیانه را فصلی جدید در توسعه منطقه‌ای دانسته و در پژوهش خود در پی بررسی علل و عوامل بوجود آورنده این تحولات برآمده است. او اقتدارگرایی حاکمان، بحران حاد داخلی - اجتماعی و مذهبی، شکاف بین نسل جوان و نسل حاکم و شیوه سنتی و پدرسالانه مدیریت کشورها را به عنوان عوامل مؤثر در بوجود آمدن تحولات اخیر خاورمیانه دانسته و سپس به بررسی نقش ناتو در برقراری ثبات منطقه‌ای و جهت‌گیری روسیه در حمایت از انقلابیون اشاره می‌کند.

سونامی سیاسی عنوان کتابی است که با سرپرستی کورگینینا^۲ (۲۰۱۱) و با همت جمعی از محققان روس تهیه شده و در آن به تجزیه و تحلیل رویدادهای اخیر خاورمیانه پرداخته شده است. در این کتاب جهت‌گیری سیاسی دولت روسیه در برخورد با انقلاب‌های عربی مطرح و نقد شده و سیاست‌های روسیه را مؤثر در جلوگیری از تشدید درگیری‌ها، فرامنطقه‌ای شدن تنش‌های موجود در منطقه خاورمیانه و مبارزه با رادیکالیسم مذهبی ارزیابی نموده‌اند. به‌طور کلی، اکثر پژوهش‌هایی که تاکنون در مورد موضوع این پژوهش نوشته شده، با تمرکز بر سیاست روسیه در قبال خاورمیانه بوده و مطالعه موردی سیاست روسیه در قبال بحران دولت - ملت‌سازی موضوعی مغفول در پژوهش‌های موجود و نوآوری این پژوهش است.

1. Zvyagelskaya

2. Kurginyan

۸. چارچوب مفهومی

۸-۱. دولت - ملت سازی

دولت - ملت سازی اصطلاحی رایج در تئوری‌های دولت است. ملت سازی از نگاه بسیاری از اندیشمندان، به عنوان توسعه و پیشرفت یک هویت مشترک^۱ تلقی شده و بنابراین به مفهوم همگنی و یکپارچگی اجتماعی نزدیک می‌شود (شکدام، ۲۰۱۸، ص ۳). در حالی که دولت سازی به معنای ایجاد دولتی کارآمد است. به بیان کیت جگرز،^۲ دولتی که توانایی انباشت قدرت را دارد، نه تنها از نظر سودمندی اقتصادی و اجبار حکومتی، بلکه از منظر قدرت نهادی و سیاسی رشد پیدا می‌کند (سمیعی اصفهانی و نوروززاد، ۱۳۹۳، ص ۹۸). به طور کلی دولت - ملت سازی محصول مدرنیته است و ارتباط نزدیکی با مفهوم هویت دارد. بر این اساس ملت سازی روندی محسوب می‌شود که طی آن زمینه‌های لازم برای شکل‌گیری و تعمیق هویت سیاسی مشترک و احساس تعلق ملی به یک چارچوب سرزمینی خاص ایجاد می‌شود که این روند به ایجاد یک دولت دموکراتیک، براساس اراده عموم مردم کمک می‌کند. بنابراین، با موفقیت در روند ملت سازی و ایجاد انسجام اجتماعی در یک سرزمین، روند دولت سازی آغاز می‌شود که مرحله تکمیلی برای دستیابی به حاکمیت در راستای اعمال قدرت مشروع و اقتدار است. دولت - ملت سازی مهم‌ترین فرآیندی است که از طریق آن حضور گروه‌های مختلف قومی - مذهبی، در چارچوب یک سرزمین واحد تضمین می‌شود. این فرآیند که در تئوری‌های کلاسیک دولت - ملت سازی، مبتنی بر اجبار بوده، در رویکرد لیبرال از طریق فرآیند دموکراتیزاسیون یا دموکراسی مشارکتی صورت می‌گیرد (پشنگ، ۱۳۹۰).

بحران در روند دولت - ملت سازی بدین معناست که موجودیت تمامی گروه‌ها به رسمیت شناخته نشود و یا درک برخی از گروه‌ها غیرممکن شود و بر این اساس کشور با بحران هویت ملی روبه‌رو شده و خطر تجزیه کشور افزایش یابد. بنابراین، ملت سازی تا حد زیادی به روند نوسازی دولت وابسته است و بر این اساس، دولت‌های "شکست‌خورده" یا "شکنده" که در تأمین کارکردهای اساسی ناتوان‌اند، باعث نزاع و بی‌ثباتی‌های داخلی و بین‌المللی می‌شوند. ریشه این بحران در عواملی نظیر زوال نظام دو قطبی، جهانی شدن و بحران هویت، نگرش یک‌جانبه‌گرایانه

1. Common Identity

2. Keith Jagers

غرب، نقض و نادیده گرفتن قوانین مربوط به حقوق بین‌الملل، مداخله در امور داخلی دیگران و... نهفته است (سنایی، ۱۳۹۴).

۸-۲. بحران دولت- ملت‌سازی در عراق نوین

یکی از مسائل پیش روی کشورهای خاورمیانه و از جمله عراق، بحران دولت- ملت‌سازی و ناتوانی دولت‌ها در انجام کارکردهای اصلی و ایجاد همبستگی ملی است که ریشه این موضوع به مشکلات و موانع این کشورها در فرآیند گذار به دولت و ملت بازمی‌گردد. به گونه‌ای که از سویی ساختار سیاسی- اجتماعی کشورها در منطقه سنتی است و از سوی دیگر، این کشورها در معرض فرآیند جهانی شدن و مداخله قدرت‌های بزرگ نظام بین‌الملل قرار دارند. عراق شاید بیش از دیگر کشورهای منطقه در این زمینه با بحران روبه‌رو است. کشوری که از همان ابتدا توسط بریتانیا، به دنبال فروپاشی امپراتوری عثمانی و در پی قرارداد سایکس- پیکو^۱ به شکل مصنوعی ایجاد شده و نتیجه آن تشکیل دولتی ضعیف، تحت سیطره اقلیتی سنی بود؛ کشوری موزائیکی و چندتکه که بدون آنکه فرآیند دولت‌سازی و ملت‌سازی را آنگونه که در اروپای قرن ۱۷ و ۱۸ اتفاق افتاد، تجربه کند، شکل گرفت. بنابراین، گروه‌ها و فرقه‌های مختلف در این کشور هنوز نتوانسته‌اند تحت هویت واحدی جمع شوند و هویت همه آن‌ها علی‌رغم تفاوت‌ها، تحت عنوان "تعلق به جهان عرب" تعریف شده است (Saeed, 2016, P.185). همچنین در این کشور به دلیل تعارض منافع و نادیده گرفته شدن درخواست‌ها توسط دولت مرکزی، ظرفیت بالایی برای دست زدن به اقدامات خشونت‌بار وجود دارد. از این‌رو، با تشکیل کشور، گروه‌های مختلف قومی از همان ابتدا تمایل داشتند کشور مستقل خود را داشته باشند و نه به عنوان اقلیت، تحت لوای حکومت مرکزی زندگی کنند که همین موضوع، تنش‌ها و بحران‌های متعددی را برای این کشور به وجود آورده است (Ottaway & kaysi, 2012, P.4). به‌طور کلی در خاورمیانه پس از عثمانی، هیچ چارچوب پایداری برای مشروعیت‌بخشی سیاسی و سرزمینی به حاکمیت‌ها وجود نداشت. پس از فروپاشی این امپراتوری، کشورهای نظیر سوریه و عراق به‌طور ناقص شکل گرفتند که هر کدام به عنوان نمایندگان و حامیان ناسیونالیسم عرب، به رقابت با یکدیگر پرداخته و درگیر مسائل و مشکلات داخلی متعددی شدند (Roshwald, 2015, P.7). از این‌رو، مفهوم "هویت ملی" و "شهروندی"

1. Sykes-Picot Agreement

به عنوان مشخصه‌های اصلی دولت- ملت‌های مدرن در این کشورها تکوین نیافته و هویت‌سازی به موضوع قومیت، ملیت، مدنیت و دیانت پیوند خورده است. لذا از عمده‌ترین دلایل ناآرامی در این کشور، وجود شکاف‌های قومی و فرقه‌ای در کنار دولتی ضعیف است؛ گروه‌های متعددی که بر سر دولت- ملت‌سازی در این کشور اختلاف داشته و این امر ایجاد مصالحه و توافق بین آن‌ها، برای ایجاد یک نظام سیاسی مشروع را با دشواری مواجه می‌کند.

شیعیان عرب، اعراب سنی و کردها سه گروه اصلی قومی- فرقه‌ای با گرایش‌های متفاوت در عراق هستند. این کشور از ابتدای تأسیس، تحت سیطره و حاکمیت اقلیت سنی بود و گروه‌های شیعی و کُرد دارای نقشی نمایشی در قدرت سیاسی بوده‌اند و بر این اساس، تعارضات داخلی نظیر رشد جنبش‌های شیعی و کرد و روند تجزیه‌گرایی در این کشور ناآرامی‌هایی را به دنبال داشته است و به‌طور ویژه در کشورهایی چون عراق، سوریه و بحرین، طی دهه‌ها بر اقلیت‌های فرقه‌ای با زور حکومت شده است. گروه‌های کُرد همواره اولویت اصلی خود را ایجاد منطقه‌ای فدرال و خودمختار در شمال عراق با مرکزیت کرکوک قرار داده و از سهم و نقش خود در دولت مرکزی برای دستیابی به این هدف استفاده می‌کنند. از سوی دیگر، اعراب سنی و شیعه اختلاف دیدگاه زیادی دارند. البته تنش میان این دو فرقه در سرتاسر جهان عرب وجود دارد، هرچند در عراق در بیشتر مواقع شیعه و سنی در کنار هم و بدون جنگ و درگیری زندگی کرده و بعضی از قبایل هم از اعضای شیعه و سنی تشکیل شده‌اند، و ازدواج میان دو فرقه نیز موضوع رایجی است؛ اما هویت فرقه‌ای نقش مهمی در سیاست ایفا می‌کند و شیعیان نیز به واسطه در حاشیه بودن در قدرت، همواره از حکومت مرکزی ناراضی بوده‌اند. به گونه‌ای که تحت حکومت صدام حسین، شیعیان که تحت فشار بودند، به تدریج با تشکیل سازمان‌های مختص به خود، به مخالفت با رژیم پرداختند؛ مانند حزب الدعوه در دهه ۷۰ و شورای عالی اسلامی عراق در دهه ۱۹۸۰ میلادی. علاوه بر این، در جریان جنگ خلیج فارس، شیعیان عراق بر علیه صدام به پا خواستند و پس از آن به شدت سرکوب شدند که همین مسأله بر تنش فرقه‌ای در این کشور افزود. این تقسیمات فرقه‌ای و قومی عامل اصلی مقاومت در برابر صدام حسین بود (Ottaway & kaysi, 2012, P.4).

این در حالی است که اعراب سنی از ایجاد نظامی دموکراتیک و کاهش شدید قدرت خود پس از اشغال این کشور توسط آمریکا، ناخشنودند. شکاف‌های قومی- فرقه‌ای موجود در عراق و در نتیجه اهداف و منافع متفاوت و حتی متناقض گروه‌های شیعی، سنی و کرد در ساختار سیاسی این

کشور، مانعی عمده برای ایجاد نهادهای سیاسی مشروع و مصالحه سیاسی بوده و حتی با وجود تصویب قانون اساسی، هنوز اختلافات بسیاری در خصوص آن وجود دارد. البته اختلافات تنها به شکاف‌های قومی - فرقه‌ای محدود نشده و در داخل هر یک از بلوک‌های سیاسی و قومی نیز اختلاف‌نظرها و گرایش‌های عمده‌ای وجود دارد. برای نمونه، در میان گروه‌های شیعی در خصوص موضوعاتی چون فدرالیسم، کنترل فعالیت شبه نظامیان شیعی، نوع رابطه با آمریکا و همچنین سایر گروه‌های اجتماعی عراق تفاوت‌هایی تعیین‌کننده وجود دارد. بنابراین، می‌توان گفت، جامعه چندپارچه، زمینه را برای نارضایتی داخلی و ضعف نسبی دولت این کشور فراهم کرده و سیاست در عراق به عنوان تلاش گروه‌های قومی - فرقه‌ای برای کسب قدرت بیشتر تعریف می‌شود و سنت‌هایی چون اجماع و همکاری گروه‌ها، سهم‌دهی سیاسی و تشریک مساعی گروه‌ها برای پیشبرد اهداف و منافع ملی، فاقد زمینه‌های تاریخی است. از این‌رو، گروه‌های عراقی در پی افزایش قدرت و نفوذ خود در ساختار سیاسی جدید بوده و تعقیب منافع و اولویت‌های کلان عراق، نظیر ایجاد ثبات و همکاری میان گروه‌ها در اولویت‌های بعدی آن‌ها قرار دارد. این نوع نگاه منفعت‌جویانه مبتنی بر بنیان‌های قومی - فرقه‌ای، به خشونت‌های قومی - فرقه‌ای دامن زده و روند دولت - ملت‌سازی را همواره به ویژه پس از سقوط صدام، با مشکل مواجه ساخته است (مؤدب، ۱۳۸۹).

بر این اساس، چندپارچگی و هویت موزائیکی، تبعات منفی زیادی برای این کشور به‌طور خاص و منطقه به‌طور عام به دنبال داشته است که از آن میان می‌توان به مواردی چون عدم تشکیل دولت کارآمد و پاسخ‌گو، نارضایتی همیشگی مردم از دولت مرکزی و انباشت مطالبات و نادیده گرفته شدن حقوق مردم توسط دولت، عدم اجماع گروه‌های مختلف سیاسی و مردم و رشد جریانات افراطی در کشور و منطقه اشاره کرد.

۸-۳. خیزش مردمی در عراق

خیزش‌های مردمی در عراق شاید به گستردگی اعتراضات در سایر کشورها نظیر مصر و تونس نبود، ولی با شروع ناآرامی‌ها، بسیاری از مردم عراق تلاش کردند از شرایط به وجود آمده استفاده کرده و صدای اعتراض خود را به گوش حکومت برسانند که این امر به اعتراضات مردمی در ۱۲ فوریه ۲۰۱۱ م انجامید. در این روز صدها عراقی از فرقه‌های مختلف در اطراف میدان تحریر جمع شده و شعار "نه به فساد" و "مقامات حکومت دزد هستند" سر دادند. در موصل، در روز ششم (۲۵

فوریه)، یک مرد ۳۱ ساله بیکار که چهار فرزند داشت، در نزدیکی میدان تحریر خود را در آتش انداخت. در این میان نوری المالکی پوشش زنده رسانه‌ای را ممنوع اعلام کرده و روزنامه‌نگاران را در انعکاس اخبار با محدودیت‌های زیادی روبه‌رو نمود و از این طریق سعی کرد این ناآرامی‌ها را بی‌اهمیت جلوه دهد که همین موضوع باعث شد معترضین اعتراضات خود را از طریق شبکه‌های اجتماعی نظیر فیسبوک و توئیتر دنبال کنند. در روز ششم، حدود ۳۰ نفر از اعتراض‌کنندگان توسط پلیس کشته شده و بسیاری نیز زخمی شدند و دولت مالکی با آنارشویست و دشمن دولت خواندن معترضین، سعی بر بی‌اعتبار ساختن آن‌ها داشت (AL-RAWI, 2014, P.917).

در سال‌های بعدی نیز تظاهراتی در این کشور به وقوع پیوست (نظیر اعتراضات ۲۰۱۳). ولی یکی از بزرگ‌ترین گردهمایی‌های اعتراضی تاریخ عراق در سال ۲۰۱۵م اتفاق افتاد. در این سال مردم در اعتراض به خدمات‌رسانی دولت به ویژه در فصل گرما، به خیابان‌های بصره آمدند، ولی در نهایت این گردهمایی با شعار "به نام دین، دزدان ما را سرقت کرده‌اند"، به اعتراضی در برابر فساد مالی و اداری و سیستم سیاسی حزبی عراق تبدیل شد. این جنبش اجتماعی بیانگر این بود که چگونه سیاسی‌سازی هویت‌های قومی و جمعی توانایی متحد کردن آن‌ها را از بین برده و به تقسیمات سیاسی، اجتماعی و طبقاتی اجازه می‌دهد که این هویت‌ها را خنثی کنند. نتیجه این امر تبدیل سیاست هویتی به سیاست موضوعی بود که فراتر از تقسیم‌بندی‌های هویتی و قومی است.

در بهار سال ۲۰۱۲م، اتحاد شیعی- سنی- کردی میان بلوک انصار (حزب شیعی صدر)، بلوک کرد (به رهبری مسعود بارزانی) و جنبش ملی عراق علاوه با اکثریت سنی (العراقیه) شکل گرفت. این رهبران برای فراتر رفتن از این تقسیمات و مقابله با شکاف‌ها و حرکت به سمت سیاست واحد، اتحاد ضعیفی را شکل دادند (Jabar, 2018, P.9). اما جنبش اعتراضی سال ۲۰۱۵م، جنبشی بود از پایین به بالا و بیانگر تغییر خواسته‌های مردم از موضوع هویت به سیاست موضوعی بود. به عنوان مثال در منطقه کردستان عراق معترضین در سلیمانیه، اربیل، دهوک، خواستار پایان دادن به حاکمیت احزاب ناسیونالیست کردی شده و دریافت خدمات دولتی و عمومی بهتری را مطرح کردند و عملکرد رهبران را زیر سؤال بردند. هرچند این جنبش‌ها با یکدیگر متحد نشدند، ولی گرایش‌ات مشابهی را از سیاست هویت به سوی سیاست موضوع محور خواستار شدند (Jabar, 2018, P.10).

۹. سیاست خارجی روسیه در عراق

۹-۱. مروری بر روابط روسیه و عراق

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، روسیه و عراق روابط دیرینه‌ای با یکدیگر دارند. اما روابط دیپلماتیک دو کشور از زمان ریاست جمهوری خروشچف آغاز شد و از آن زمان تا به امروز با فراز و فرودهایی ادامه داشته است. خروشچف با تأکید بر ظرفیت کشورهای جهان سوم، با کشورهای نظیر عراق ارتباط برقرار کرد تا از این طریق ضمن افزایش قدرت چانه‌زنی خود بتواند در مقابل غرب و در رأس آن ایالات متحده ایستادگی کند. اما پیش از آن نیز در اواخر دهه ۵۰ میلادی شماری قرارداد نظامی، تجاری و تکنولوژیک میان دو کشور به امضاء رسید که نقطه عطف این قراردادها معاهده دوستی و همکاری بین شوروی و عراق در ۹ آوریل ۱۹۷۲ است.^۱ در زمان برژنف نیز به دلیل دارا بودن عراق از منابع غنی انرژی، روابط دو کشور با شدت بیشتری ادامه یافت. در زمان گورباچف نیز به واسطه سیاست خارجه فعالانه‌ای که توسط وی دنبال شد، روابط با عراق ادامه یافت؛ هرچند در خلال جنگ خلیج و حمله عراق به کویت، از آنجا که روسیه از سویی به دنبال حفظ نفوذ در این کشور بود و از سوی دیگر هم‌صدا با سازمان ملل متحد این اقدام را محکوم کرد، با سردرگمی‌هایی در مواجهه با این کشور روبه‌رو شد و روابط با این کشور تا حدود زیادی کاهش یافت (Anlar, 2006, P.10-22).

اما به‌طور جدی روابط روسیه و عراق پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و شکل‌گیری روسیه فعلی و در قالب سیاست خارجی فدراسیون روسیه قابل تحلیل و بررسی است. با روی کار آمدن یلتسین^۲ و در قالب سیاست خارجی فعالانه‌تری که روسیه در پیش گرفت، بهبود روابط با عراق در دستور کار مقامات روس قرار گرفت (Anlar, 2006, P.40)، با به قدرت رسیدن پوتین در سال ۲۰۰۰م، سیاست خارجی روسیه در عراق با جدیت بیشتر و عمدتاً در قالب منافع تجاری و اقتصادی دنبال شد. به گونه‌ای که در جریان حمله نظامی آمریکا به عراق و اشغال این کشور توسط نیروهای آمریکایی، روسیه ابتدا با تأکید بر راه‌حل‌های دیپلماتیک و با این استدلال که این جنگ با

۱. براساس قرارداد دوستی میان عراق و شوروی سابق، نیروهای روسی اجازه استقرار در خاک عراق و نیز استفاده از پایگاه‌های هوایی و دریایی عراق را پیدا کردند.

2. Boris Yeltsin

تغییر توزیع قدرت و ثروت منافع روسیه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، و همچنین مداخله نظامی از خارج در امور داخلی هر یک از دولت‌های مستقل، می‌تواند به جنگ‌های منطقه‌ای با استعمال سلاح اتمی منجر شود (کولایی و نوری، ۱۳۸۹، ص ۲۵)، با این جنگ مخالفت کرد. البته گفتنی است که روسیه با طرح موضوع حمله به عراق در دوراهی قرار گرفت. از سویی روس‌ها خواستار حل و فصل سیاسی بحران شده و از سوی دیگر با آغاز جنگ، لحن مخالفت جویانه خود را تعدیل کرده و خواستار حفظ منافع روسیه شدند و با توجه به سه وضعیت حفظ وضع منافع روسیه در عراق، روابط استراتژیک با آمریکا و حیثیت یک قدرت جهانی نزد مردم خود و پیامدهای هر یک، سرانجام گزینه مخالفت سیاسی محدود را علیه حمله به عراق انتخاب کرده (سهرابی، ۱۳۹۲، ص ۱۱۷) و با تأکید بر یکی از مهم‌ترین اهداف روسیه یعنی رفاه، این موضوع را پذیرفته و سکوت اختیار کردند (Anlar, 2006, P.75).

به‌طور کلی ذکر این نکته ضروری است که در مورد نحوه برقراری ثبات در خاورمیانه، موضع روسیه و غرب به ویژه آمریکا همواره متفاوت است. بدین معنا که برخلاف آمریکایی‌ها، روس‌ها بر این باورند که به تدریج دموکراسی و توسعه نهادهای دموکراتیک را در منطقه دنبال کرده و با اعمال زور مخالف‌اند و بر این اعتقادند که استانداردهای تحمیلی بر مناطقی چون خاورمیانه چون محصول توسعه تدریجی در درون این جوامع نیستند، نتایج فاجعه‌باری به دنبال خواهند داشت و بحران دولت-ملت‌سازی در عراق بهترین نمونه در این زمینه می‌باشد (سهرابی، ۱۳۹۲، ص ۱۲۸). با توجه به آنچه گفته شد، روابط روسیه و عراق در قالب متغیرهایی چون پیگیری منافع اقتصادی و اجتماعی-سیاسی به ویژه احیای موقعیت و پرستیژ در عرصه بین‌المللی و منطقه‌ای، قابل تحلیل و بررسی است؛ به گونه‌ای که اتحاد جماهیر شوروی سابق به عراق در زمینه صنعتی شدن کمک کرده و در برهه‌های مختلف از نظر تأمین تسلیحات به این کشور یاری رسانده است که این پیوند در حال حاضر و در چارچوب فدراسیون روسیه و در سطوح مختلف در حال بازسازی و احیاء است.

در ادامه با توجه به منافع بنیادین روسیه در عراق، سیاست خارجی مسکو در عراق را پس از سال ۲۰۱۱ و وقوع ناآرامی‌های منطقه‌ای، مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۹-۲. چرایی اهمیت ناآرامی‌ها برای روسیه

دلایل اهمیت ناآرامی‌های عراق برای مسکو را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

- **دلایل اقتصادی:** یکی از دلایل اصلی نگرانی روس‌ها از به هم‌ریختگی و ناآرامی اوضاع در عراق، به دلایل اقتصادی برمی‌گردد که با توجه به ارتباط مالی دیرینه بین مسکو و بغداد، کاملاً منطقی به نظر می‌رسد. این در حالی است که عراق امروزی دولتی متحد نیست، بلکه مجموعه‌ای از فرقه‌ها و گروه‌هاست که پیوندهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی‌شان با قدرت‌های خارجی بیش از روابط میان خودشان است. این ویژگی سیاست خارجی مسکو در این کشور را با چالش‌ها و البته فرصت‌های متعددی در عراق که سال‌ها از خشونت رنج می‌برد، روبه‌رو کرده است. در واقع عراق همچنان به عنوان کشوری متخاصم در خاورمیانه شناخته می‌شود. دولت مرکزی تنها بر بخش‌هایی از این کشور کنترل داشته و بقیه مناطق توسط رهبران جوامع محلی اداره می‌شود. در عین حال بسیاری از اقلیت‌ها و فرقه‌های قومی و مذهبی نظیر مسیحیان، یزیدی و مندائیان و بسیاری دیگر، تحت آزار و اذیت قرار دارند. بنابراین، روسیه همواره بر این اعتقاد است که با توجه به موقعیت جغرافیایی، ژئوپلیتیک و تاریخ سیاسی کشور، فروپاشی عراق می‌تواند تاثیر فاجعه‌باری بر منطقه در پی داشته باشد و عراق ناامن و بی‌ثبات برخلاف منافع روسیه است. این نکته شایان اهمیت است که علی‌رغم اینکه ارتش عراق سال‌ها از آموزش‌های نظامی ایالات متحده بهره‌مند شده است، ولی همچنان قادر به مواجهه با چالش‌های امنیتی پیش‌رو نیست و بدون حمایت خارجی عملاً ناکارآمد است و روس‌ها حتی به لحاظ نظامی به مواجهه عراق با بحران‌های داخلی این کشور با ابهام می‌نگرند (Suchkov, 2018).

- **دلایل جغرافیایی:** از دیگر دلایل نگرانی روس‌ها، به همجواری و نزدیکی جغرافیایی دو کشور بازمی‌گردد. مسافت میان گروزی - پایتخت چچن و موصل عراق تقریباً ۶۰۰ مایل می‌باشد (Trenin, 2016, P.3)، بنابراین، هرگونه بی‌ثباتی در این کشور می‌تواند باعث سرایت ناامنی به مرزهای روسیه شود.

- **افراط‌گرایی اسلامی و تروریسم:** از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، هیچ دیوار جداکننده‌ای میان روس‌ها و مسلمانان وجود ندارد. تعداد زیادی از روس‌ها در کشورهای همجوار ساکن‌اند و بنابراین افزایش فعالیت افراط‌گرایان اسلامی و تروریست‌ها تهدیدی جدی برای روسیه محسوب می‌شود و می‌تواند سرایت این حرکت‌ها به روسیه را به دنبال داشته باشد (Trenin, 2016, P.3-4). به گونه‌ای که یکی از دلایل اصلی مخالفت روسیه با اقدام نظامی آمریکا علیه عراق، احتمال تقویت جریان‌های افراطی و حرکت‌های تروریستی و جدایی طلب در منطقه خارج نزدیک و برخی نواحی داخلی

آن کشور که بخش مهمی از جمعیت آنان را مسلمانان تشکیل می‌دهد، بود (Trenin, 2016, P.102).
گفتنی است، براساس آمار سال ۲۰۱۶م، بین سه تا پنج هزار نیروی روسی در داعش، در کشورهای سوریه و عراق مشغول به فعالیت هستند (Kozhanov, 2018, P.13).

- دلایل منطقه‌ای و بین‌المللی: روس‌ها به دنبال احیای نفوذ و ارتقاء پرستیژ خود در صحنه بین‌المللی هستند و یکی از دلایل حضور فعال در عراق نیز افزایش نفوذ منطقه‌ای و هویت‌سازی به عنوان یک کشور قدرتمند در منطقه است. امنیت یا ناامنی عراق بر فعالیت روس‌ها و سیاست خارجی روسیه در منطقه تأثیر نهاده و آن را با چالش مواجه می‌کند. به عبارتی عراق با ثبات و آرام است که می‌تواند دستاوردهای مذکور را برای روس‌ها به ارمغان بیاورد.

بنابراین، با توجه به دکترین روسیه مبنی بر اینکه خاورمیانه به لحاظ تاریخی در حوزه منافع روسیه قرار دارد، (Malyshev, 2015, P.113) و با توجه به پیوندهای میان مسکو و بغداد، همزمان با وقوع و بهتر است بگوییم تشدید بحران در عراق از سال ۲۰۱۱م به این سو، روسیه سیاست فعالی در قبال این کشور در پیش گرفت تا هم از منافع حیاتی خود در این کشور و منطقه حفاظت کند و هم امکان نفوذ و مداخله هرچه بیشتر غرب را از بین ببرد.

۹-۳. واکنش روسیه به بحران عراق

با خروج نیروهای آمریکایی از عراق در سال ۲۰۰۹م، عراق از جایگاه ویژه‌ای در سیاست خارجی روسیه برخوردار شد که برخی از تحلیل‌گران از عنوان چرخش عراق به روسیه و جایگزینی روسیه به جای آمریکا در این کشور یاد می‌کنند. بازگشت عراق به روسیه بازتابی از ناامیدی بغداد از واشنگتن نزد مقامات روس تلقی می‌شود و از این رو سعی دارند از این فرصت برای تقویت نفوذ خود در منطقه استفاده کنند. با این حال بی‌ثباتی، بوروکراسی پیچیده، سطح بالای فساد، تناقضات در قانون، و فقدان تضمین‌های دولتی برای امنیت سرمایه‌گذاری، محدودیت‌های جدی بر سر مشارکت عمیق‌تر روسیه در عراق را ایجاد کرده است (Suchkov, 2018). به گونه‌ای که با وقوع ناآرامی‌های مردمی در منطقه خاورمیانه و تشدید بحران‌های فرقه‌ای و سایر مشکلات در عراق، روسیه به ایفای نقش فعال‌تری در این کشور مبادرت نمود. در واقع عراق برای روسیه نه تنها به عنوان یک شریک اقتصادی و تجاری، بلکه به عنوان یک عامل تأثیرگذار بر سیاست‌های منطقه‌ای روسیه در نظر گرفته می‌شود.

بنابراین، سیاست خارجی روسیه در دور دوم ریاست جمهوری پوتین که همزمان است با وقوع

خیزش‌های مردمی در خاورمیانه و از جمله عراق، با تغییراتی مواجه بوده است. از سویی روسیه به دنبال احیای قدرت این کشور در عرصه جهانی و منطقه‌ای بوده و از سوی دیگر در پی تأمین امنیت کشورهای منطقه است، زیرا کشورهایی چون عراق از خریداران عمده سلاح‌های روسی بوده و به لحاظ دارا بودن ذخایر نفت و انرژی، منبع ثروت برای روس‌ها محسوب می‌شود و بر این اساس وقوع هرگونه ناآرامی و بی‌ثباتی در این کشور، منافع روسیه را به‌طور جدی تهدید می‌کند. این در حالی است که شرایط داخلی روسیه پیشبرد چنین سیاستی را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. موقعیت ژئوپلیتیک روسیه در کنار تنوع قومی- مذهبی و نژادی در این کشور باعث شده این کشور بسیار نگران تهدیدات محیطی در منطقه خاورمیانه باشد. بنابراین، اولویت اول برای این کشور برقراری امنیت در منطقه و از جمله عراق است (Trenin, 2016, P.102) و در این راه روس‌ها افزایش نفوذ سیاسی و حضور فعالانه در عراق را در راستای تأمین منافع خود و بالطبع تأمین منافع عراق، دنبال می‌کنند.

در حقیقت روس‌ها افزایش نفوذ را عمدتاً در قالب نفوذ به سیستم اقتصادی و نه در چارچوب تجاوز نظامی دنبال می‌کنند. در این راستا روسیه در حال رقابت با شرکت‌های چند ملیتی (به ویژه فعال در حوزه انرژی) در عراق است و سرمایه‌داران روسی متعددی نیز در این کشور سرمایه‌گذاری کرده و فعالیت خود را آغاز کرده‌اند (Saadoun, 2019). حتی به منظور تأمین امنیت سرمایه‌گذاری، روسیه به تازگی در سفارت این کشور در بغداد، دفتر اقتصادی تأسیس کرده تا بتواند از این طریق منافع اقتصادی روسیه در عراق و به دست آوردن بازارهای این کشور را پیگیری نماید و حتی شرکت‌های فعال در این کشور نظیر لوک‌اویل^۱ به دنبال افزایش سرمایه خود در این کشور هستند.

به‌طور کلی، سیاست روسیه در غرب آسیا به لحاظ تاریخی مبتنی بر دو اصل است: (۱) تجدید حیات روسیه در عرصه بین‌المللی و (۲) عدم مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر و روسیه تغییرات مورد نظر خود را از طرق غیر نظامی و بدون دخالت در امور داخلی عراق دنبال می‌کند (Mamedov, 2019, P.9).

بنابراین، در سال‌های اخیر، به ویژه از سال ۲۰۱۱م به این سو، روسیه تدابیر مختلفی به منظور تأمین امنیت در عراق در پیش گرفته است. یکی از تبعات بحران دولت- ملت‌سازی و اختلافات

فرقه‌ای در عراق، توسعه فعالیت گروه‌های اسلام‌گرای افراطی و ظهور داعش در منطقه بود که بنا به دلایلی که ذکر شد، تهدیدی عمده برای روس‌ها محسوب می‌شود. همچنین اختلافات داخلی میان گروه‌ها و جناح‌های مختلف سیاسی در عراق فضای سیاسی این کشور را متشنج کرده است و بنابراین روس‌ها همواره سعی دارند با همکاری با دولت عراق مسائل این کشور را به‌طور غیرمستقیم مدیریت نمایند و بر این اساس مسکو و بغداد در زمینه مدیریت و حل و فصل مسائل منطقه‌ای و همچنین مبارزه با تروریسم نیز تاکنون با یکدیگر همکاری‌هایی داشته‌اند. به عنوان مثال در سپتامبر ۲۰۱۵م، توافق چهارجانبه‌ای درباره به اشتراک‌گذاری اطلاعات بین روسیه، عراق و سوریه و ایران به امضاء رسید و متعاقب آن مرکز اطلاعاتی به منظور مبارزه علیه تروریسم به‌طور عام و گروه تروریستی داعش به‌طور خاص در بغداد آغاز به کار کرد. هر چهار کشور موافقت کردند که این همکاری علیه شخصی ثالث صورت نگیرد، بلکه در چارچوب اهداف نسبتاً مشخصی برای هماهنگ کردن جنگ علیه دولت اسلامی، تشخیص تروریست‌ها، جستجوی کودکان روس که به دولت اسلامی پیوسته‌اند و... باشد.

همچنین روسیه تجهیزات نظامی پیشرفته‌ای برای مقابله با فعالیت گروه‌هایی نظیر داعش در اختیار بغداد قرار داده است. به عنوان مثال زمانی که در سال ۲۰۱۴م دولت اسلامی عراق - شام حملات تهاجمی خود در عراق را شدت بخشید، مسکو بلافاصله بغداد را با تسلیحات و جنگنده‌های نظامی تجهیز کرد. در این زمان "ماکسیم ماسیموف" سفیر روسیه در عراق اعلام کرد: «ما همیشه آمادگی خود را برای ارائه خدمات کامل به عراق برای مقابله با تهدیدات اعلام کرده‌ایم. روسیه در تلاش برای تقویت نیروهای مسلح عراق بوده و قادر است مقدار قابل توجهی از تجهیزات نظامی عراق را تأمین کند» (RBC, 2018).

از دیگر مصادیق تلاش روسیه برای ایجاد توازن میان گروه‌های عراقی، مسأله کردهای عراق است. به گونه‌ای که مسکو همزمان با سیاست‌گذاری‌های مالی در عراق، ارتباط با کردها در این کشور را مورد توجه قرار داده (Trenin, 2016, P.4) و ارتباط تنگاتنگی با کردهای شمال عراق دارد (Katz, 2018). در عراق، روسیه همواره سعی دارد با استفاده از روابط تاریخی خود با هر دو طرف، میان بغداد و کردها در مسأله استقلال، توازن ایجاد کند (Trenin, 2016, P.4) که این موضوع مورد انتقاد برخی بازیگران خارجی نیز قرار گرفته است. البته روسیه هیچ‌گاه سیاست روشن و مشخصی در قبال کردها نداشته است. از زمان بحران ۲۰۱۱م به این سو، وضعیت

سیاسی - اقتصادی و اجتماعی کردها رو به وخامت گذاشته است، زیرا مردم این منطقه به پول دریافتی از استخراج نفت و حمل آن به ترکیه وابسته‌اند و شرایط بعد از سال ۲۰۱۱م از جمله تشدید اختلاف با دولت مرکزی، ظهور داعش و اجبار مردم به مهاجرت، کردها را در شرایط سختی قرار داده است. تا جایی که کردهای اقلیم کردستان عراق، موضوع استقلال خود را به‌طور جدی‌تری دنبال کردند. این موضوع نهایتاً منجر به برگزاری referendum در ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۷م گردید که البته موفقیت‌آمیز نبود و به بحران سیاسی در این کشور، میان کردها و دولت مرکزی، منجر شد (Mamedov, 2019, P.9). در این موضوع، روسیه سعی کرد تعادل در برقراری ارتباط با هر یک از احزاب کردی را حفظ کند. همچنین روس‌ها تلاش کردند ارتباط خود را با مقامات و احزاب سلیمانیه و اربیل گسترش داده، به گونه‌ای که هم‌اکنون دولت مرکزی کردستان دارای دفتر نمایندگی رسمی در روسیه است که در زمینه مبارزه با تبعیض نژادی در عرصه محلی، برگزاری رویدادهای فرهنگی و ارائه خدمات پزشکی به اعضای گروه‌های مسلح در منطقه کردستان فعالیت می‌کند. همچنین همکاری‌هایی در بخش انرژی میان مسکو و کردستان عراق وجود دارد؛ به گونه‌ای که شرکت‌هایی چون گازپروم نفت در دو سال گذشته فعالیت خود را در کردستان عراق گسترش داده‌اند (Mamedov, 2019, P.10-11).

بنابراین، یکی از موضوعات مطرح برای روس‌ها در عراق، که به‌طور مستقیم به موضوع امنیت عراق و همچنین تأمین امنیت روس‌ها مرتبط است، مسأله کردهای ساکن در شمال عراق است. روس‌ها همواره سعی کرده‌اند روابط خوبی با کردها برقرار کرده و در ایجاد توازن میان این احزاب و دولت مرکزی بکوشند؛ ولی در عین حال به خوبی می‌داند که تجزیه کشور تحت هیچ شرایطی به نفع کشورهای منطقه و همچنین منافع منطقی روسیه نیست و بر این اساس تجزیه کشور را به صلاح هیچ یک از طرفین نمی‌دانند؛ هرچند در اظهارات رسمی مقامات مسکو ضمن تأکید بر اهمیت تمامیت ارضی عراق، به این نکته اشاره کرده‌اند که تصمیم‌گیری درباره این موضوع منحصراً به نخبگان بغداد و اربیل مرتبط است و آن‌ها خودشان باید درباره این مسأله تصمیم بگیرند (Suchkov, 2018).

این در حالی است که عراق متقابلاً از همکاری با روس‌ها به دلیل نقش روسیه در ایجاد توازن در ارتباط این کشور با ایران و آمریکا و همچنین تعادل میان همه احزاب عراقی، استقبال کرده است. همچنین عراق به دنبال بازگشت به سیاست منطقه‌ای است و بالطبع به دنبال جلب نظر بازیگران

قدرتمندی است که از ارتباط با دو کشور به صورت دو طرفه سود می‌برد (Mamedov, 2019, P.7). با این شرایط روس‌ها نیز از این فرصت برای افزایش حضور خود در این کشور استفاده کرده‌اند. عراق به روسیه به عنوان فرصتی برای شکل‌دهی به اتحادی استراتژیک با قدرتی بزرگ می‌نگرد؛ به ویژه اینکه از نگاه بغداد تعامل و مواجهه با روس‌ها بسیار آسان‌تر از سایر کشورهای غربی و آمریکاست. آندری آنتوکف^۱، نویسنده روسی در این زمینه می‌گوید: عراق اهمیت زیادی برای روس‌ها دارد و بر این اساس روسیه به دنبال توسعه همکاری با این کشور است. در مقابل، عراق نیز سعی دارد از متخصصین روسی در حوزه‌های اقتصادی، صنعتی کشاورزی و نظامی استفاده نماید. بنابراین، با افزایش حضور در این کشور روسیه دو هدف را دنبال می‌کند: محدود کردن نفوذ آمریکا در منطقه و توسعه نفوذ منطقه‌ای که اساس سیاست خارجی ولادیمیر پوتین در خاورمیانه است (Saadoun, 2019).

با توجه به منافع دو طرفه از همکاری، دو کشور ارتباطات خود را در سال‌های اخیر افزایش داده‌اند. به ویژه حضور مستقیم روسیه در بحران سوریه زمینه را برای آغاز فصل جدیدی از روابط روسیه و عراق فراهم کرد. به گونه‌ای که در ماه می سال ۲۰۱۵م، پوتین میزبان حیدر العبادی - نخست‌وزیر وقت عراق - شد و دو ماه بعد هر دو در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک با یکدیگر دیدار و گفتگو کردند (Suchkov, 2018).

در این زمینه تعامل سازمانی و نهادی مسکو و بغداد بسیار شایان توجه است. تاکنون دو طرف مراکز متعددی برای پیگیری زمینه‌های همکاری در مسکو و بغداد تأسیس کرده‌اند، نظیر مرکز اطلاعاتی بغداد، گروه کاری روسیه و عراق به منظور همکاری در بخش انرژی و گروه کاری متمرکز بر بازپس‌گیری زنان و کودکان از عراق و سوریه که این موضوع نشان از این دارد که مسکو در راستای برقراری ثبات در این کشور، در پی تعمیق روابط و توسعه همکاری با بغداد بوده و بغداد نیز از این ارتباطات متنوع استقبال کرده است (Mamedov, 2019, P.8).

به ویژه پس از برگزاری انتخابات پارلمانی ۱۲ می ۲۰۱۸م و تغییراتی که در شرایط سیاسی عراق اتفاق افتاد، دولت مردان عراقی ارتباط با مسکو را در خط‌مشیء سیاست خارجی خود لحاظ کرده و به عنوان شریک دفاعی به این کشور می‌نگرند. به عنوان مثال پس از برگزاری انتخابات در عراق، در ۲۳ نوامبر ۲۰۱۸م، وزیر امور خارجه روسیه - سرگئی لاوروف - در پشت درهای بسته با

برهم صالح- رئیس جمهور عراق- در مورد اوضاع کشور و منطقه دیدار و گفتگو کردند که این دیدار زمینه را برای دیگر ملاقات‌ها و قراردادهای فراهم کرد و به موضوعاتی چون تأمین آب و تولید برق و افتتاح ایستگاه مرزی در مرز عراق و سوریه برای تأمین امنیت عراق و... کشیده شد (Mamedov, 2019, P.14). ابراهیم الجعفری- رئیس دفتر مقتدی صدر- در این باره می‌گوید: ما به دنبال تقویت ظرفیت دفاعی کشور و تقویت وزارت کشور برای حفاظت در مقابل تهدیدات خارجی و داخلی هستیم. ما برای برون‌رفت از اختلافات مذهبی و سیاسی و همچنین فساد، مبارزه خواهیم کرد. بنابراین، در این راستا دولت به دنبال تقویت توان دفاعی و استفاده از حمایت‌های روسیه است. با توجه به تغییرات سیاسی داخلی، روسیه و عراق همکاری دو جانبه را توسعه داده‌اند و رهبری جدید عراق برای حفظ سطح فعلی ارتباط با مسکو و حتی افزایش آن در آینده بسیار تلاش می‌کند. شرکت‌های نفتی روسیه نیز از جمله گازپروم نفت و لوک اوایل همچنان به کار در میداین نفتی عراق ادامه می‌دهند که از نظر مقامات عراقی پیشرفتی مثبت تلقی می‌شود. همچنین در آوریل سال ۲۰۱۹م، نمایندگان دو طرف موافقت‌نامه‌هایی در زمینه تجارت، انرژی، اقتصاد، ارتباطات، تکنولوژی، حمل و نقل، بازسازی، توریسم، فرهنگ و... امضاء کردند (Saadoun, 2019). امروزه ماشین‌آلات، وسایل حمل و نقل، فلزات، چوب، کاغذ، محصولات شیمیایی و کشاورزی، صادرات اصلی روسیه به عراق است. این امر با توجه به هدف مسکو برای افزایش حضور در بازارهای کشاورزی خاورمیانه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد (Suchkov, 2018).

به طور کلی می‌توان گفت، روسیه به ویژه هم‌زمان با دور دوم ریاست جمهوری ولادیمیر پوتین به دنبال احیای قدرت منطقه‌ای خود در منطقه خاورمیانه و مقابله با نفوذ آمریکا در منطقه است و در این بین عراق به دلیل موقعیت استراتژیک در سطح منطقه و دارا بودن ذخایر عظیم نفتی مورد توجه روس‌هاست. بنابراین، پرواضح است که وقوع هرگونه ناآرامی، تهدیدی جدی علیه منافع روسیه تلقی شده و واکنش روس‌ها را در پی دارد.

۱۰. نتیجه‌گیری

عراق یکی از مهم‌ترین کشورهایی است که در یک قرن اخیر جلوه بارز واگرایی قومی- مذهبی، خشونت و بی‌ثباتی سیاسی- اجتماعی در خاورمیانه است. این مسائل نه تنها در خلاء قدرت مرکزی و نبود اقتدار ریشه دارد، بلکه عوامل و مؤلفه‌هایی چون نبود یک هویت ملی فراگیر، کینه‌های تاریخی گروه‌های قومی و مذهبی و دولت- ملت‌سازی تحمیلی به ویژه در دوره حاکمیت

حزب بعث، نقش مهمی در ظهور و گسترش خشونت‌ها داشته است؛ به گونه‌ای که در سال‌های پس از سقوط صدام بسیاری از غیرنظامیان در این کشور کشته شده و فعالیت گروه‌های افراط‌گرا توسعه یافته است. تشدید بحران دولت-ملت و اختلافات فرقه‌ای در عراق به دنبال وقوع ناآرامی‌ها و اعتراضات مردمی، روس‌ها را نگران بی‌ثباتی از وضع موجود نموده است. با این وجود، هرچند امنیت عراق برای روسیه بسیار مهم است، اما روس‌ها برقراری امنیت و پیگیری ثبات در عراقی که دچار بحران دولت-ملت است را در گزینه‌های غیرنظامی جستجو می‌کنند و در پی توسعه همکاری در زمینه‌های مختلف تجاری، انرژی، کشاورزی، فرهنگی و... هستند. روس‌ها همواره راه‌حل‌های دیپلماتیک را کارتر از گزینه نظامی ارزیابی کرده و دخالت در امور داخلی دیگران را برخلاف اصل حاکمیت بر سرنوشت کشورها می‌دانند. در این راستا است که روس‌ها به عنوان مثال برای مقابله با داعش تسلیحات نظامی در اختیار ارتش عراق می‌گذارند و یا همکاری‌هایی در این زمینه بین دو کشور وجود دارد؛ ولی هیچ‌گاه گزینه تجاوز نظامی در این کشور را مورد توجه قرار نداده‌اند. حتی روسیه حضور نظامی در عراق را به خواست دولت عراق منوط کرده است؛ به گونه‌ای که اگر مقامات عراقی درخواست کنند، ممکن است کمک نظامی در قالب حضور فیزیکی به این کشور ارائه دهند، همانگونه که در سوریه چنین کردند. نمونه دیگر که بدان اشاره شد، تلاش روس‌ها در برقراری توازن میان احزاب عراقی و همچنین دولت مرکزی و اقلیت‌هایی چون کردها، با این استدلال که ثبات و یکپارچگی سیاسی امنیت برای این کشور را به ارمغان می‌آورد، بود. روسیه به خوبی می‌داند که عراق چند پارچه و غیرمنسجم برخلاف منافع روس‌هاست و سعی دارد با افزایش حضور و نفوذ خود در عراق و منطقه به برقراری امنیت در این کشور کمک کند. در این راستا تاکنون قراردادهای متعددی در زمینه‌های مختلف بین مسکو-بغداد به امضاء رسیده و روس‌ها حتی با اعزام متخصصین خود در حوزه‌های مختلف و ارائه خدماتی نظیر بازسازی خطوط راه آهن عراق سعی در فراهم آوردن شرایطی برای حضور خود در این کشور و برقراری ثبات دارند.

— منابع —

۱. پشنگ، اردشیر (۱۳۹۰). **روند دولت-ملت‌سازی در عراق و تحولات اخیر در این کشور**. قابل دسترس در:
<https://ardeshir58.persianblog.ir/B3581a9J1MtDNppRbjn4-1>
۲. سمیعی نژاد اصفهانی، علیرضا؛ نوروزی‌نژاد، جعفر (۱۳۹۳). **دولت-ملت‌سازی بین‌المللی و خشونت سیاسی در عراق جدید**. پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، ۲(۱).
۳. سنایی، مهدی (۱۳۹۴). **دولت-ملت و مسأله ثبات در خاورمیانه**. قابل دسترس در:
<http://www.iras.ir/fa/doc/report/745/>
۴. سهرابی، محمد (۱۳۹۲). **سیاست خارجی روسیه در خاورمیانه**. پژوهش‌نامه روابط بین‌الملل، ۷(۲۵).
۵. شکدام، کاترین (۱۳۹۷). **ملت‌سازی و سیاست دولت‌سازی؛ مدل فرانسوی و عوامل تعیین‌کننده آن**. مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی. قابل دسترس در:
<http://www.bayancenter.org/fa/wp-content/uploads/2018/05/9876543456.pdf>
۶. کولایی، الهه؛ نوری، علیرضا (۱۳۸۹). **عمل‌گرایی پوتین و تغییر در رویکردهای سیاست خارجی روسیه**. سیاست، ۴۰(۳).
۷. مؤدب، محمد (۱۳۸۹). **فرآیند دولت-ملت‌سازی در عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی ج.ا.ایران**. مرکز بین‌المللی مطالعات صلح. قابل دسترس در: <http://peace-ipsc.org/fa>
8. Anlar, A. (2006). **Russian Foreign Policy toward Iraq in the Post Cold War Era**. A Thesis Submitted to the graduate School of Social Science of middle Est Technical University. Available at:
https://www.researchgate.net/publication/295672344_RUSSIAN_FOREIGN_POLICY_TOWARDS IRAQ_IN_THE_POST-COLD_WAR_ERA
9. Jabar, F.A. (2018). **The Iraqi Protest Movement from Identity Politics to Issue Politics**. Middle East Center of LSE. Available at:
https://eprints.lse.ac.uk/88294/1/Faleh_Iraqi%20Protest%20Movement_Published_English.pdf
10. Katz, M.N. (2018). **Support Opposing Sides Simultaneously: Russia's Approach to the Gulf and the Middle East**. Aljazeera Center for Studies, Available at:
<http://studies.aljazeera.net/en/reports/2018/08/support-opposing-sides-simultaneously-russias-approach-gulf-middle-east-180823104054250.html>
11. Kozhanov, N. (2018). **Russian Policy across the Middle East: Motivations and Methods**. Available in:
<https://www.chathamhouse.org/sites/default/files/publications/research/2018-02-21-russian-policy-middle-east-kozhanov.pdf>
12. Kurginyan, S. (2011). **Political Tsunami. Analysis of events in Northern Africa and**

the Middle East. Москва, МОЭФ ЭТИ

13. Malyshev, D. (2015). Middle East Turbulence. *Journal World Economy and International Relations*, No.10, P.113-118.
14. Mamedov, R. (2019). **After the Caliphate: the Prospects of Russia- Iraq Relations**. Available at: <https://russiancouncil.ru/papers/Russia-Iraq-WP46-En.pdf>
15. Ottaway, M. & Danial. K. (2012). **The State of Iraq?** Carenegie Endowment for International Peace. Available at: <https://carnegieendowment.org/2012/02/08/state-of-iraq-pub-47127>
16. Roshwald, A. (2015). **The Global Crisis of the Nation-State**. Available at: https://www.academia.edu/9953440/The_Global_Crisis_of_the_Nation-State.
17. Saadoun, M. (2019). **Has Russia begun to play a role in Iraq?**. Available at: <https://www.al-monitor.com/pulse/originals/2019/05/iraq-iran-russia.html>
18. Salem, P. (2013). **Iraq's Tangled Foreign Interests and Relations**. Carnegie Endowment for International Peace. Available at: https://carnegieendowment.org/files/Iraqs_Tangled_Foreign_Interests_and_Relations.pdf
19. Suchkov, M.A. (2018). **Between Baghdad and Erbil: Russia's Balancing Act in Iraq**. Available at: <https://blogs.lse.ac.uk/mec/2018/05/03/between-baghdad-and-erbil-russias-balancing-act-in-iraq/>
20. Trenin, D. (2016). **Russia in the Middle East: Moscow's Objectives, Priorities, and Policy Drivers**. Available in: https://carnegieendowment.org/files/03-25-16_Trenin_Middle_East_Moscow_clean.pdf
21. Zolfqar, S. (2018). Competing Interests of Major Powers in the Middle East: The Case Study of Syria and Its Implications for Regional Stability. *Perceptions*, Vol. XXIII, No 1. Available at: <http://sam.gov.tr/wp-content/uploads/2018/08/121-147.pdf>
22. Zvyagelskaya, Z. (2015). **Russia in a Changing Middle East**. Available in: <http://www.imesclub.org/irina-zviagelskaya>

References

1. Anlar, A. (2006). **Russian Foreign Policy toward Iraq in the Post Cold War Era**. A Thesis Submitted to the graduate School of Social Science of middle Est Technical University. Available at: https://www.researchgate.net/publication/295672344_RUSSIAN_FOREIGN_POLICY_TOWARDS IRAQ_IN_THE_POST-COLD_WAR_ERA
2. Jabar, F.A. (2018). **The Iraqi Protest Movement from Identity Politics to Issue Politics**. Middle East Center of LSE. Available at: https://eprints.lse.ac.uk/88294/1/Faleh_Iraqi%20Protest%20Movement_Published_English.pdf
3. Katz, M.N. (2018). **Support Opposing Sides Simultaneously: Russia's Approach to the Gulf and the Middle East**. Aljazeera Center for Studies, Available at:

- <http://studies.aljazeera.net/en/reports/2018/08/support-opposing-sides-simultaneously-russias-approach-gulf-middle-east-180823104054250.html>
4. Kozhanov, N. (2018). **Russian Policy across the Middle East: Motivations and Methods**. Available in:
<https://www.chathamhouse.org/sites/default/files/publications/research/2018-02-21-russian-policy-middle-east-kozhanov.pdf>
 5. Kurginyan, S. (2011). **Political Tsunami. Analysis of events in Northern Africa and the Middle East**. Москва, МОЭФ ЭТИ
 6. Malyshev, D. (2015). Middle East Turbulence. *Journal World Economy and International Relations*, No.10, P.113-118.
 7. Mamedov, R. (2019). **After the Caliphate: the Prospects of Russia- Iraq Relations**. Available at: <https://russiancouncil.ru/papers/Russia-Iraq-WP46-En.pdf>
 8. Ottaway, M. & Danial. K. (2012). **The State of Iraq**. Carenegie Endowment for International Peace. Available at:
<https://carnegieendowment.org/2012/02/08/state-of-iraq-pub-47127>
 9. Roshwald, A. (2015). **The Global Crisis of the Nation-State**. Available at:
https://www.academia.edu/9953440/The_Global_Crisis_of_the_Nation-State.
 10. Saadoun, M. (2019). **Has Russia begun to play a role in Iraq?**. Available at:
<https://www.al-monitor.com/pulse/originals/2019/05/iraq-iran-russia.html>
 11. Salem, P. (2013). **Iraq's Tangled Foreign Interests and Relations**. Carnegie Endowment for International Peace. Available at:
https://carnegieendowment.org/files/Iraqs_Tangled_Foreign_Interests_and_Relations.pdf
 12. Suchkov, M.A. (2018). **Between Baghdad and Erbil: Russia's Balancing Act in Iraq**. Available at: <https://blogs.lse.ac.uk/mec/2018/05/03/between-baghdad-and-erbil-russias-balancing-act-in-iraq/>
 13. Trenin, D. (2016). **Russia in the Middle East: Moscow's Objectives, Priorities, and Policy Drivers**. Available in:
https://carnegieendowment.org/files/03-25-16_Trenin_Middle_East_Moscow_clean.pdf
 14. Zolfqar, S. (2018). Competing Interests of Major Powers in the Middle East: The Case Study of Syria and Its Implications for Regional Stability. *Perceptions*, Vol. XXIII, No 1. Available at: <http://sam.gov.tr/wp-content/uploads/2018/08/121-147.pdf>
 15. Zvyagelskaya, Z. (2015). **Russia in a Changing Middle East**. Available in:
<http://www.imesclub.org/irina-zviagelskaya>
 16. Peshang, A. (2011). **The process of state-nationalization in Iraq and recent developments in this country**. Available at:
<https://ardeshir58.persianblog.ir/B3581a9J1MtDNppRbjn4-1>. [In Persian]
 17. Samiinejad Esfahani, A.R. & Nowruzinejad, J. (2014). State - International nationalization and political violence in the new Iraq. *Iranian Journal of International Politics*, 2(1).

[In Persian]

18. Sanai, M. (2015). **Nation-state and the issue of stability in the Middle East**. Available at: <http://www.iras.ir/fa/doc/report/745/> [In Persian]
19. Sohrabi, M. (2013). Russia's foreign policy in the Middle East. *Journal of International Relations*, 7(25). [In Persian]
20. Shakdam, K. (2018). **Nation-building and state-building policy; The French model and its determinants**. Center for Studies and Planning. Available at: <http://www.bayancenter.org/fa/wp-content/uploads/2018/05/9876543456.pdf>. [In Persian]
21. Elaheh, N. & Nouri, A. (2010). Putin's pragmatism and change in Russian foreign policy approaches. *Politics*, 40(3). [In Persian]
22. Moadab, M. (2010). The process of state-nationalization in Iraq and its impact on the national security of the Islamic Republic of Iran. International Center for Peace Studies. Available at: <http://peace-ipsc.org/fa> [In Persian]

شیوه ارجاع به این مقاله

DOI: 10.22034/sej.2021.1931487.1338

حکاک‌زاده، محمدرضا (۱۴۰۰). روسیه و بحران دولت- ملت‌سازی در عراق نوین. سپهر سیاست، دوره ۸(۲۹)، ص ۷-۳۰.